

## کامپیته بناهی

قرار بود همایش وحدت سران طوایف بلوچ منطقه جنوب شرق کشور برگزار شود، مسئولان امنیتی هشدار داده بودند که احتمال حمله انتحاری توسط مزدوران استکبار وجود دارد اما سردار باید خودش را به دوستانش می‌رساند، مردم و شهدا! از طرفی آرزوی شهادت داشت و از سوی دیگر شوق خدمت به مردم، آن هم مردم خونگرم بلوچ و اهل سنت جنوب شرق کشور.

بنا بر بازدید سردار شوشتری از نمایشگاه بیرون محوطه همایش نبود اما زمانی که این شهید بزرگوار می‌بیند مردم بلوچستان با چه شوق و ذوقی صنایع دستی را باهمت خود درست کرده‌اند، به بازدید تک‌تک غرفه‌ها می‌رود، در صحنه‌ای که لحظاتی قبل از انفجار بود پیرمردی مشغول بافتن دمپایی حصیری است که سردار با دیدن این صحنه به سمت او می‌رود و با گفتن «بارک‌الله» دست پدران به سرش می‌کشد و لحظاتی بعد...

وحدت است.

شهادت سردار شوشتری در کنار کودکان و سران طوایف بلوچ و اهل سنت منطقه بیانگر اوج وحدت و همدلی شیعه و اهل سنت است، بارانی در زهی یکی از سران طوایف منطقه سراوان می‌گوید: «وقتی که شهادت سردار اتفاق افتاد هیچ خانواده‌ای در استان سیستان و بلوچستان نبود که داغدار نشود و همه فکر می‌کردند که بزرگ خانواده‌شان را از دست داده‌اند این چنین با سردار انس گرفته بودند.»

یکی از کارهای ارزشمند شهید شوشتری این بود که طوایف شیعه و سنی را باهم در جلسات دعوت می‌کرد و این بهترین هنرش بود که قبلاً این کار انجام نمی‌شد. بارانی در زهی این کار سردار را نزدیک کردن قلب‌های همه طوایف می‌داند و درباره ارتباط شهید با علمای اهل سنت نیز می‌گوید: «ایشان متأسفانه مدت کمی در بین ما بودند و فرصت آن چنانی نبود ولی ارتباط بسیار خوبی داشتند، مثلاً جلسات خوبی داشتند در شهرستان سراوان. ایشان دو روز قبل از شهادت تماسی با من داشتند و گفتند که بعد از همایش برنامه‌ریزی و علما را دعوت کنید تا جلسه‌ای با آن‌ها داشته باشیم که این توجه خاص سردار بود به علما، ایشان می‌خواستند در مقاطع مختلف این جلسات را برگزار کنند و از

## احساس خطر تفرقه افکنان از حضور سردار

با آمدن سردار، برخی جریان‌های وهابی در منطقه شروع به تبلیغات مسموم علیه وی کردند و تلاش می‌کردند که مردم بلوچ را از او دور کنند، ولی صداقت سردار کار را به جایی رساند که برخی از سران طوایف را که سال‌ها بود باهم درگیر بودند، با واسطه‌گری سردار باهم آشتی کردند، برای همین بود که عوامل استکبار تنها گزینه باقی‌مانده در مواجهه با سردار شوشتری را ترور وی قرار دادند. احداث بیمارستان صحرائی، تلاش برای کارآفرینی در مناطق محروم استان باهدف سروسامان دادن به جوانان بلوچ و تقویت حس وحدت و اخوت دینی بین شیعه و اهل سنت از جمله اقدامات ارزشمند شهید شوشتری در سیستان و بلوچستان بود.

## بیعت وحدت بر سر مزار شهید

هرچند پنج سال از شهادت وی در حادثه تروریستی منطقه پیشین سیستان و بلوچستان می‌گذرد اما هرسال سران طوایف و علمای اهل سنت منطقه بر سر مزار او در مشهد گردهم می‌آیند تا دوباره بیعت و تحکیم وحدتی داشته باشند با آرمان این شهید که به حق شهید

## خدمت و مردم‌داری رمز موفقیت

## قافله سالار شهدای وحدت

# نخ تسبیح وحدت



## کلیپ‌هایی کذایی که وجه شیعه را خراب می‌کند

کلیپ‌های هیئت‌های افراسی شیعیان و مراسم‌های کذایی نهم ربیع که مملو از توهین به مقدسات اهل سنت است، در مناطق سنی نشین به‌وفور ردوبدل می‌شود، جالب است که خیلی از کلیپ‌ها را من در قم ندیدم ولی در سیستان و بلوچستان از سنی‌های آنجا گرفتم و دیدم!

در مدارس آنجا که وارد می‌شویم، گاهی مبانی شیعه و اهل سنت را بیان می‌کنیم، بعد از آن سوالات و نظراتی که از دانش آموزان سنی آنجا می‌آید، خیلی جالب است، مثلاً می‌گویند من تازه اسلام، اهل سنت و شیعه را شناختم! می‌گویند من الان تازه فهمیدم شیعیان چه کسانی هستند و چه می‌گویند، قبلاً فکر می‌کردم شما یک مشت آدم فحاش و بی‌ادب هستید که کاری جز توهین به مقدسات ندارید! ولی الان با این برخورد شما آگاه شدم.

بعد از این برخورد خوب من، نظراتشان که متأثر از آن کلیپ‌های کذایی بود کاملاً تغییر می‌کرد و می‌گفتند ما اصلاً نباید دنبال دعوی شیعه و سنی باشیم. ما همه مسلمانیم و باید کنار هم باشیم. حتی بارها اتفاق افتاده که بعضی از دانش آموزان اهل سنت حنفی بلوچ، به من زنگ زدند و گفتند حاج‌آقا من فردا امتحان سختی دارم، دعا کنید قبول شوم! یا اینکه فردا کنکور دارم و شما برای من دعا کنید، دعای شما مستجاب است! اینکه یک دانش‌آموز اهل سنت درباره یک آخوند شیعه این‌طور صحبت کند، خیلی زیاست. ولی اگر کسی به جای رفتار مهربانانه و احترام‌آمیز، توهین به مقدسات و بی‌ادبی کند، چنین جایگاهی که پیدا نمی‌کند هیچ، تنفر هم تولید می‌کند! کاش ذره‌ای به این فکر می‌کردیم که با بعضی از اعمال زشت که نه اهل بیت (ع) و نه مراجع آن را تأیید نکرده‌اند، چه ضربه‌ای به اسلام و تشیع و مکتب اهل بیت (ع) می‌زنیم.

(حجت‌الاسلام علی‌اصغر کمالی)

## من و یک سلفی در جبهه‌ای مشترک

وارد یکی از رستوران‌های اطراف میدان تحریر شدیم، طبقه پایین جا نبود و برای صرف نهار طبقه بالا رفتیم، همراهانم احمد و محمد بودند، احمد با پدر مصری و مادر آمریکایی، کل کودکی‌اش را در آمریکا گذرانده و حتی همسرش نیز یک مسیحی آمریکایی بود اما خودش یک مسلمان البته با گرایش سلفی! محمد هم تحصیل کرده رشته مهندسی و چند سالی را برای کار در آمریکا زندگی کرده بود اما خسته از آمریکا، برگشته به مصر بود.

سه نفر با شکل و شمایل اسلامی و بحث به زبان انگلیسی و موضوع اسرائیل، توجه یک جهانگرد میان‌سال را به خود جلب کرد، بعداً متوجه شدم که او ما را همان طبقه پایین رستوران دیده بود اما برای اینکه در جریان حرف‌های ما قرار بگیرد پشت سر ما آمده بود. در میانه صحبت ما سه نفر، یک‌دفعه پرید وسط بحث و بی‌مقدمه پرسید: اگر همسایه شما یک یهودی باشد چه رفتاری با او می‌کنید؟ هر سه نفرمان جاخورده بودیم اما محمد بی‌وقفه پاسخ را داد که: «اگر این همسایه بخواهد به خانه من تجاوز کند و حق من را غصب کند قطعاً با او دعوا خواهم کرد!»

خلاصه جهانگرد از حاشیه بحث به میانه و وسط بحث آمد. صندلی‌اش را چرخاند و آمد کنار میز ما و بحث سه‌ساعته ما درباره دین اسلام شروع شد

وقتی بحثمان تمام شد، من چقدر خودم را به‌عنوان یک جوان شیعه اثنی عشری نزدیک به برادران سنی‌ام می‌دیدم که گرایش‌هایی حتی سلفی داشتند. ما هر سه داشتیم در برابر یک مسیحی با استدلالاتی مشابه، از اسلام دفاع می‌کردیم! به‌راستی چرا باید پای یک غیر به میان بیاید تا مسلمانان به یاد نقاط اشتراک بی‌حد و حصرشان بیفتند؟

(روح‌الله رضوی، عضو کاروان آزادی حصر غزه در سال ۲۰۱۰)



## خاطره‌نگاری طلاب و دانشجویان از وحدت